

مقصر کیست و چه باید کرد!

۱- هنگامی که یک آخوند یا سیدی خیانت کرد گفته می شود که همه بدبختی ها زیر سر ملایان و سادات است و بایستی ریشه آنها برافتد!

۲- هنگامی که روشنفکر و مبارزی خیانت می کند گفته می شود که همه بدبختی ها زیر سر روشنفکران و مبارزین است و بایستی ریشه آنها برافتد!

۳- هنگامی که یک آمریکائی در مقام ریاست جمهوری به مردم ما خیانت کرد گفته می شود که همه بدبختی ها زیر سر آمریکائی ها یا انگلیسی هاست و بایستی ریشه آنها از روی زمین برافتد.

۴- هنگامی که یک عرب یا خلیفه عربی به مردم ایران خیانت کرد گفته می شود که همه بدبختی های ما زیر سر اعراب است و بایستی ریشه اعراب از کشور ما برافتد!

۵- هنگامی که یک سلطان ترک به ملت ایران خیانت کرد و مردم را قتل عام نمود گفته می شود که همه بدبختی های تاریخی ما از جانب ترکان است و ریشه هر چه ترک بایستی از روی زمین برافتد!

۶- هنگامی که از جانب یکی دو تن از افراد فامیل، خیانت و شرارتی نصیب ما شود کل فامیل خود را ملعون و منفور خود می سازیم و به انتقام می پردازیم.

۷- هنگامی که یک فرد یهود یا مسلمان یا بهائی دچار شرارت و خیانتی می شود کل پیروان این مذاهب و فرقه ها را طرد و لعن می کنیم.

۸- این نوع طرز فکر و نگرش و قضاوت آشکارا گله وار و نژادپرستانه است که برای هویت افراد بشری به تنهایی هیچ ارزش و مسئولیت مستقلی قائل نیست. چنین نگاهی هرگز انسان نمی بیند بلکه گله و قوم و نژاد می بیند. چنین کسی خود از هویت انسانی و استقلال وجودی محروم است و به زبان ساده بی وجود است. همان طور که برای هیچ کس مسئولیت فردی قائل نیست برای خودش هم هیچ مسئولیتی قائل نیست و خود را باعث و مسئول اعمال و سرنوشت خود نمی داند و همواره دیگران مقصر بدبختی های او هستند.

۹- چنین نگاه و قضاوتی هرگز کسی را به عنوان فرد انسانی نه می بیند و نه مورد خطاب قرار می دهد بلکه مردمی را می بیند که هر فردی در میان آن مردم زندگی می کند: قوم، فرقه، ملت، مذهب، وراثت و ... و این همان ناس پرستی و

ابتلای به ناس است که در قرآن کریم همواره مورد اخطار و هشدار الهی به اهل ایمان است که مبادا از اکثر مردمان پیروی کنند. سوره ناس بزرگترین بیانیه حق بر علیه ناس پرستی است که ناس پرستی را قلمرو ابتلای به اجنه و شیاطین خوانده است: پناه می برم از شر مردمان به خدای مردمان که احد و واحد است.

۱۰- آن نگاهی که اسیر وسواس الناس است در سیطره خناسان و اجنه پنهان و آشکار است و از هویت احدی و انسانی محروم و بیگانه است. همان طور که انسانیتی در کسی نمی بیند در خودش هم نمی بیند و بعکس! چنین موجودی بی هویت و فاقد وجود احدی هیچ معنا و علت و منطقی در خور ندارد و درباره هر امری که از او سؤال کنی می گوید: چون مردم چنین هستند و چنین می کنند و چنین می گویند...! این مردم (ناس) در قاموس قرآنی نقابی بر هویت جنی و شیاطانی بشر است. و این مردم هم هرگز هیچ هویت و عقلانیت و اراده ای از خود ندارد جز آن اموری که حکام طاغوت القاء می کنند و حکومت های طاغوتی هم قلمرو سلطه شیاطین بر مردم هستند و لذا خداوند در کتابش اهل ایمان را از پیروی حکومت های طاغوت منع نموده و بر حذر داشته است.

۱۱- و عجا که چنین ناس پرستانی همانقدر که ناس را می پرستند مرید پنهان و آشکار طاغوت حاکم هستند و در عین حال شبانه روز مردم و حکام را طرد و لعن می گویند و از اسارتشان هم رهایی ندارند.

۱۲- هرگاه خود خودت را باعث و بانی و مسبب همه خوب و بد زندگی و سرنوشت خود دانستی و مسئولیت خود را بر عهده گرفتی از اسارت و سلطه ناس و طاغوت و اجنه و شیاطین رها می شوی! این آن کاریست که باید بکنی!

علی اکبر خانجانی

بهمن ۱۴۰۰